مرگ ۲ کارگر در استخر آمونیاک

دو کارگر شرکت تولید قارچ دزفول به استخر آمونیاک سقوط کرده و جان باختند.

این حادثه ساعت ۱۷:۴۷ عصر یک‌شنبه اتفاق افتاد که در جریان آن دو کارگر ۲۹ و ۳۰ سال ساله در استخر آمونیاک سقوط کرده و قبل از رسیدن امدادگران جان باختند. تحقیقات درباره علت سقوط کارگر در جریان است.

کشف جسد چوپان در کوهستان

جسد مرد چوپان در ارتفاعات گیلانغرب کشف شد.

چند روز قبل اعضای خانواده یکی از چوپان‌های روستای وارگه از توابع شهرستان گیلانغرب گم شدن او را به پلیس خبر دادند. آنها گفتند که مرد چوپان برای چرای گله از روستا خارج شده و دیگر بازنگشته است. بررسی‌ها در این باره جریان داشت تا اینکه اهالی روستا با جست‌وجو در کوهستان جسد چوپان ۴۰ساله را در حالی که بخشی از آن توسط حیوانات وحشی خورده شده بود میان دره‌ای در ارتفاعات روستا کشف کردند. سرهنگ سلیم سلیمی، فرمانده انتظامی گیلانغرب گفت: جسد برای تشخیص علت فوت با احتمال حمله درندگان وحشی یا سقوط اولیه از ارتفاع به پزشکی قانونی منتقل شد.

دستگیری قاتل فراری پس از ۱۰ ماه

مردی که از ۱۰ماه قبل به اتهام قتل در شهرستان سیب و سوران در استان سیستان و بلوچستان تحت تعقیب قرار داشت سرانجام بازداشت شد.

بهمن‌ماه سال گذشته بود که مأموران پلیس سیب‌وسوران از حادثه تیراندازی مرگبار در یکی از محله‌های شهر با خبر شده و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که عامل قتل مردی ۴۸ساله است که بعد از حادثه متواری شده است. سرهنگ حیدر حق‌جویان، فرمانده انتظامی شهرستان سیب و سوران گفت: مأموران پلیس بعد از ۱۰ ماه موفق شدند مخفیگاه متهم را در یکی از روستاهای شهر شناسایی و او را بازداشت کنند. متهم انگیزه خود را اختلاف شخصی اعلام کرده است.

کشف یک تن موادمخدر طی درگیری مسلحانه

یک تن و ۶۰ کیلوگرم مواد مخدر در جریان درگیری مسلحانه با سوداگران مرگ در شهرستان ایرانشهر کشف شد و چهار قاچاقچی بازداشت شدند.

سرهنگ احمد طاهری، جانشین فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان گفت: مأموران پلیس شهرستان ایرانشهر این مقدار موادمخدر را دو روز قبل در جریان درگیری مسلحانه کشف و چهار سوداگر مرگ را بازداشت کردند. وی ادامه داد: از قاچاقچیان دو دستگاه خودرو پژو و سه قبضه سلاح کشف کردند.

هشدار پلیس

راه‌های پیشگیری از سرقت موتورسیکلت

- در هنگام پارک موتورسیکلت‌ها کنار خیابان و معابر از قفل و زنجیر کتابی و قفل یو شکل برای سوئیچ استفاده شود.
- مالکان موتورسیکلت‌ها در زمان پارک سعی کنند که موتورهای خود را در پارکینگ‌های عمومی پارک کنند.
- در صورت پارک در محل‌های خلوت و دور از انظار عمومی، سعی شود موتورسیکلت را به تیر برق، درخت و میله‌های آهنی ثابت و با قفل و زنجیر ببندند.
- چنانچه دارندگان موتورسیکلت مبادرت به سوار کردن مسافر می‌کنند از گرفتن هرگونه نوشیدنی- خوراکی از مسافران خودداری کنند به لحاظ اینکه بارها پیش آمده که سارقان با ترفند بیهوشی مبادرت به سرقت موتورسیکلت می‌کنند.
- در زمان پارک موتورسیکلت در محل‌های خلوت به صورت مستمر و متناوب به موتورسیکلت سرکشی کنند.
- از گذاشتن موتورسیکلت در کنار خیابان و معابر و با گذاشتن سوئیچ روی موتورسیکلت حتی برای چند ثانیه خودداری کنند.
- از سپردن موتورسیکلت به کودکان و افراد مختل‌المشاعر خودداری کنند.
- در هنگام پارک موتورسیکلت در منزل یا پارکینگ مجتمع، موتورسیکلت را قفل و زنجیر کنند.

معاونت اجتماعی فاتب
اداره آموزش همگانی

محاکمه مرد ۳ زنه به اتهام ربودن پدرزن دوم!

مرد سه زنه که به اتهام آدم‌ربایی و شکنجه پدرزن دومش بازداشت شده‌بود، روز گذشته محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار ما، خردادماه امسال، مأموران پلیس شهرستان کوهدشت از حادثه تیراندازی در بیابان‌های این شهر باخبر و راهی محل شدند. مأموران پلیس در جریان تحقیقات میدانی متوجه شدند که حادثه تیراندازی در جریان یک سناریوی آدم‌ربایی رقم خورده است. آنها همزمان با رهایی گروگان که مردی میانسال به نام یحیی بود علی، سردسته آدم‌ربایان را بازداشت و از او یک قبضه اسلحه کلاشنیکف هم کشف کردند. خیلی زود معلوم شد که علی، داماد مرد گروگان است که با همدستی دو نفر از دوستانش مرتکب آدم‌ربایی شده است. یحیی بعد از رهایی وقتی مورد تحقیق قرار گرفت، گفت که دامادش چند روز قبل او را از محل کارش در تهران ربوده و با تهدید و شکنجه به کوهدشت منتقل کرده است. بعد از این توضیحات و اقرارهای داماد شاکی، در حالی که هنوز ردی از دو همدست متهم به دست نیامده بود، پرونده به شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. به این ترتیب متهم صبح دیروز در همان شعبه به ریاست قاضی اصغرزاده و مستشار توکلی پای میز محاکمه قرار گرفت. بعد از اعلام رسمیت جلسه، شاکی در جایگاه قرار گرفت و در طرح شکایت خود گفت: «دخترم، همسر دوم علی بود. آنها با هم اختلاف داشتند و علی بارها دخترم را کتک زده بود. بعد از مدتی متوجه شدیم که دامادم زن سومی را نیز اختیار کرده است. به همین دلیل وقتی آنها به سفر ماه‌عسل رفتند، دختر و نوه خردسالم را به خانه‌ام آوردم تا تنها نباشند. علی وقتی از سفر بازگشت تماس گرفت و مرا تهدید به مرگ کرد. با خودم گفتم شاید عصبانی است و بهتر است چیزی نگویم.»

مرد میانسال در ادامه گفت: «شغلم رانندگی است و در یک آژانس کار می‌کنم. علی یک روز بعد از تماسش به آژانس آمد و با ساطور به آژانس حمله کرد. او من و همکارانم را تهدید به مرگ می‌کرد و در حال شکستن شیشه‌های آژانس بود که ناگهان دسته ساطورش شکست و سپس فرار کرد.»

شاکی در تشریح جزئیات آدم‌ربایی گفت: «تهدیدهای علی تمامی نداشت و مدام برایم پیامک می‌فرستاد تا اینکه یک هفته بعد از این ماجرا، در آژانس بودم که همراه دو نفر مرد ناشناس به آژانس آمد. او در دستش کلاشنیکف داشت و با شلیک چند تیر هوایی مرا به کمک همدستانش به زور سوار ماشین کرد و به سمت رودهن برد. آنها گوشی موبایل و دو کارت عابر بانکی که همراه داشتم را از من گرفتند، اما رمز یکی از کارت‌های عابربانکم را نداشتم به همین خاطر به شدت مرا کتک زدند. سپس آنها تغییر مسیر دادند و مرا به سمت جاده قم بردند. تهدید و شکنجه‌های آنها شدت گرفته بود چون فکر می‌کردند نمی‌خواهم رمز کارت عابر بانک را به آنها بدهم. تا جائیکه سرم را زیر لاستیک ماشین گذاشته بودند و علی پشت فرمان نشسته بود و تهدید می‌کرد تا رمز کارت عابر بانکم را بگیرد. از شدت ترس و وحشت حالم بد شده بود تا اینکه دوباره مرا سوار کردند و این بار به سمت کوهدشت رفتیم. علی مرا به خانه عمویش برد و بعد از پذیرایی، وقتی عمویش به ماجرای آدم‌ربایی پی برد با هم درگیر شدند. علی هم از عصبانیت کلاشنیکف را برداشت و با شلیک‌های پی در پی مرا از آنجا به بیابان‌های کوهدشت برد. آنجا بود که پلیس آمد و مرا نجات داد.»

سپس متهم با قبول اتهامش در دفاع از خود گفت: «قبول دارم پدرزنم را به زور به کوهدشت بردم، اما او را شکنجه ندادم فقط می‌خواستم برای اینکه همسرم را به خانه‌اش برده است او را تنبیه کنم. حتی در خانه عمویم نیز از او پذیرایی کردم.» او درباره شلیک‌های با کلاشنیکف نیز گفت: «وقتی با عمویم درگیر شدم فقط یک تیر شلیک کردم تا بتوانم از خانه آنها خارج شوم.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

پرحرفی عروس نقابدار راز سرقت او را برملا کرد

راز عروس نقابدار که یک‌سال قبل مادرشوهرش را هنگام بازگشت از بهشت زهرا مسموم و طلاهایش را سرقت کرده بود با پرحرفی‌هایش بر ملا شد.

به گزارش خبرنگار ما، اواخر سال گذشته بود که مأموران از کشف پیکر نیمه جان زن میانسالی در یکی از خیابان‌های شرق پایتخت با خبر شدند. بررسی‌ها نشان داد رهگذری پیکر بی‌هوش این زن را کنار خیابان خلوتی پیدا کرده و به بیمارستان منتقل کرده است. مردی که موضوع را به پلیس خبر داده بود، گفت: همراه خانواده‌ام در حال عبور از خیابان بودیم که با پیکر بی‌هوش زن میانسالی پشت شمشادها روبه‌رو شدیم. بلافاصله با اورژانس تماس گرفتیم و زن بی‌هوش را به بیمارستان منتقل کردیم و بعد هم به پلیس خبر دادیم. ساعتی بعد از این حادثه زن میانسال که شهربانو نام دارد وقتی به هوش آمد، گفت که زن پژو سواری او را با آبمیوه مسموم بی‌هوش و اموالش را سرقت کرده است. شهربانو در توضیح ماجرا گفت: هر هفته پنج‌شنبه‌ها برای فاتحه‌خوانی به آرامگاه شوهرم در بهشت‌زهرا می‌روم. امروز هم مثل هر هفته به بهشت زهرا رفتم و هنگام بازگشت به تهران خودروی پژویی که راننده آن زن جوانی بود کنارم توقف کرد. زن جوان که آرایش زیادی کرده بود و ماسک آرایشی به صورت داشت گفت که به تهران می‌رود و وقتی مسیرم را به او گفتم مرا سوار کرد. راننده در راه خیلی با من حرف نزد و گفت دندانش درد می‌کند و فقط دو عدد آبمیوه از کیفش بیرون آورد و یکی از آنها را خودش خورد و دیگری را هم به من داد. لحظاتی بعد از اینکه آبمیوه را خوردم دیگر چیزی نفهمیدم تا اینکه در بیمارستان به هوش آمدم و متوجه شدم تمامی پول‌ها و وسایل گرانقیمتم را آن زن سرقت کرده است . با طرح این شکایت، پرونده به دستور دادیار دادسرای ویژه سرقت برای شناسایی زن پژو سوار در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. پس از این مأموران تحقیقات گسترده‌ای را آغاز کردند، اما هیچ سرنخی از سارق پیدا نکردند تا اینکه چندی قبل پس از گذشت حدود یک‌سال از حادثه، شاکی به اداره پلیس رفت و سرنخ تازه‌ای از سارق در اختیار مأموران قرار داد.

شهربانو گفت: عروسم که زنی پرحرف است و پونه نام دارد یک‌سال قبل از پسرم جدا شد. آنها ابتدا زندگی خوبی داشتند، اما کم کم اختلاف‌های آنها زیاد شد و از هم جدا شدند. یک روز قبل به صورت اتفاقی عروس قبلی‌ام را در خیابان دیدم. او همیشه فکر می‌کرد من در زندگی‌شان دخالت می‌کنم. به همین دلیل داخل خیابان با من مشاجره لفظی کرد. او گفت که تعجب می‌کند که من الان زنده‌ام و آبمیوه مسموم مرا نکشته است. وقتی به حرف‌هایش دقت کردم، فهمیدم که زن ناشناس پژو سوار عروسم بوده که به قصد قتل مرا بی‌هوش کرده است. بنابراین الان از او شکایت دارم.

پس از طرح این شکایت مأموران به دستور قاضی پرونده پونه را بازداشت کردند. وی ابتدا منکر جرم خود شد، اما وقتی با مدارک و دلایل روبه‌رو شد به جرم خود اقرار کرد. وی گفت: من و شوهرم زندگی خوبی داشتیم، اما دخالت‌های مادر شوهرم باعث شد که زندگی ما به طلاق کشیده شود. من از مادر شوهرم کینه به دل گرفتم و همیشه دنبال فرصت مناسبی بودم تا از او انتقام بگیرم. من نیاز مالی نداشتم، اما نقشه سرقت طلاها و پول‌هایش را طراحی کردم تا از او انتقام بگیرم. از آنجایی که هر هفته شهربانو به بهشت زهرا می‌رفت آن روز تغییر چهره دادم و عینک آفتابی زدم و به بهشت زهرا رفتم و او را به بهانه رساندن به مقصد سوار خودروام کردم و با آبمیوه مسموم بی‌هوش کردم. من هرگز فکر نمی‌کردم که شناسایی شوم، اما وقتی بعد از یک‌سال مادر شوهرم را دیدم از حرصی که گرفته‌بودم از دهنم پرید و به او گفتم تو باید یک‌سال قبل به خاطر آبمیوه مسموم فوت می‌کردی و همین حرف مرا گرفتار کرد. متهم برای تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت.

بازداشت زورگیران تبر به دست!

دو مجرم تبر به دست که برای زورگیری از قزوین راهی تهران شده بودند، بازداشت شدند.

به گزارش خبرنگار ما، چهارم آذرماه بود که زن جوانی با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و مأموران را از ماجرای زورگیری با خبر کرد. وقتی مأموران کلانتری ۱۶۳ ولنجک برای بررسی ماجرا در محل حاضر شدند مشخص شد که شاکی به دلیل جراحت به بیمارستان منتقل شده است. در تحقیقات بیشتر مشخص شد که زورگیران دو مرد جوان بودند که سوار بر خودروی پرشیای تیره‌رنگ با چاقو شاکی را از ناحیه صورت زخمی و بعد از سرقت کیف و گوشی تلفن همراهش فرار کرده‌اند. وقتی پرونده به دستور بازپرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۳۴ به پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران فرستاده شد، شاکی توضیحات بیشتری از ماجرا را شرح داد. او گفت: لحظاتی قبل از حادثه با خودروی خودم که یک پژو ۲۰۶ است وارد پارکینگ خانه‌مان شدم. بعد از پارک کردن خودرو در حال رفتن به طرف آسانسور بودم که ناگهان دو مرد جوان که چاقو و تبر به دست داشتند به من حمله کردند. آنها گوشی تلفن همراه و کیف دستی‌ام را سرقت کردند. یکی از آنها قبل از فرار با چاقو ضربه‌ای به صورتم زد که به شدت دچار جراحت شده و من را به بیمارستان منتقل کردند.

با اطلاعاتی که شاکی در اختیار کارآگاهان گذاشت مأموران پلیس در محل حادثه حاضر شده و بعد از بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته ساختمان، تصویر دو متهم را به دست آوردند. آنها همچنین شماره پلاک خودروی پرشیای متهمان را به دست آوردند. مالک پژو مرد ۲۸ ساله‌ای به نام بیژن بود که محل زندگی او در شهرستان قزوین شناسایی شد. بعد از اینکه شاکی او را به عنوان یکی از مهاجمان شناسایی کرد کارآگاهان ۲۱ آذرماه با در دست داشتن نیابت قضایی راهی قزوین شده و او را بازداشت کردند.

بیژن در اولین بازجویی‌ها به زورگیری اعتراف کرد و همدست ۳۴ساله‌اش ناصر را هم معرفی کرد. او در شرح ماجرا گفت: روز حادثه سوار بر خودرو در حال پرسه زدن در یکی از خیابان‌های تهران بودیم که متوجه عبور یک خودروی پژو ۲۰۶ شدیم که راننده‌اش زنی جوان بود. ناصر گفت که می‌خواهد برای دوستی با آن زن به او شماره تلفن بدهد به خاطر همین ماشین او را تعقیب کردیم. وقتی وارد یک ساختمان مسکونی شد من پشت فرمان نشستم و ناصر وارد ساختمان شد. لحظاتی بعد با شنیدن جیغ یک زن خودم را به ساختمان رساندم و صورت زن جوان را غرق در خون دیدم. ناصر کیف و گوشی تلفن همراه آن زن را سرقت کرد و از ساختمان بیرون دوید. من هم که ترسیده بودم به سرعت خودم را به پشت فرمان ماشین رسانده و فرار کردیم. با اطلاعاتی که بیژن در اختیار پلیس گذاشت کارآگاهان ناصر را هم در یکی از محله‌های قزوین شناسایی و بازداشت کردند. بررسی سوابق او حکایت از این داشت که ناصر تاکنون ۱۳بار به اتهام جرائم مختلف بازداشت شده و به زندان افتاده است.

سرهنگ کارآگاه محمد نادربیگی، رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات از دو متهم برای شناسایی جرائم احتمالی بیشتر در پایگاه‌سوم پلیس آگاهی تهران جریان دارد. وی از شهروندانی که توسط سرنشینان یک دستگاه خودرو پرشیای تیره رنگ با تبر و چاقو، هدف زورگیری قرار گرفته‌اند خواست به پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ در خیابان خرمشهر – میدان نیلوفر مراجعه کنند.

آشپزباشی و ۲ همدستش به قصاص محکوم شدند

مرد آشپز و همدستانش که برای تسویه حساب ۹۶میلیون تومانی مرتکب قتل مرد بدهکار شده بودند، به قصاص محکوم شدند.

به گزارش خبرنگار ما، دوازدهم آبان‌ماه سال ۹۲ بود که مأموران پلیس تهران جسد مرد میانسالی را داخل خودرویی در شهر قدس کشف کردند. شواهد نشان می‌داد مقتول، مرد ۶۰ساله‌ای به نام علی است که خانواده‌اش گم شدن او را گزارش داده بودند. در بررسی‌های میدانی پلیس معلوم شد که علی در جریان اختلاف حساب ۹۶میلیون تومانی با مردی به نام پیمان که صاحب رستورانی در جنوب شهر بود به قتل رسیده است. به این ترتیب پیمان بازداشت شد.

او در شرح ماجرا گفت: «از مدتی قبل ۹۶میلیون تومان از مقتول طلب داشتم، اما پولم را نمی‌داد. برای همین از رضا که پیک موتوری بود درخواست کمک کردم.

او هم قبول کرد در قبال گرفتن ۵میلیون تومان با کمک فردی به نام هوشنگ، علی را کتک بزند تا پولم را بدهد، اما آنها زیاده‌روی کردند و او را کشتند. بعد از این ماجرا آنها ۳۸ میلیون تومان گرفتند و رفتند.»

با این توضیحات دو متهم دیگر نیز بازداشت شدند، اما رضا قتل را گردن صاحب کارش انداخت و گفت: «من و هوشنگ در قتل نقشی نداشتیم. این پیمان بود که از من خواست به خاطر قضیه ناموسی دوستش را تنبیه کنیم.

من هم قبول کردم و با هوشنگ صحبت کردم تا همراهم باشد. روز حادثه با شوکری که پیمان خریده بود به صورت مقتول زدم سپس با ملاقه به سرش کوبیدم، اما او هنوز زنده بود و فقط سرش خونی شده بود. بعد از آن پیمان با آبگردان به سر مقتول زد و یک طناب به دور گردنش انداخت و با هوشنگ طناب را کشیدند. مقتول که ضعف کرده بود از نفس افتاد، سپس پیمان از هوشنگ خواست با چاقو به گردن مقتول بزند که او هم از ترس ضربه زد.» متهم در آخر گفت: «بعد از فوت مقتول، پیمان از داخل ماشین او کیفی آورد که محتوی تعدادی مدارک بود. او اثر انگشت مقتول را پای آن مدارک گذاشت و بعد از آن با هم جسد را داخل خودرو در خیابانی رها کردیم.» با تأیید توضیحات از سوی سومین متهم، پرونده به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

سه متهم بعد از درخواست قصاص از سوی اولیای‌دم در دفاع از خود، قتل را گردن هم انداختند تا اینکه هیئت قضایی با توجه به مدارک موجود در پرونده هر سه متهم را به اتهام مشارکت در قتل به قصاص محکوم کرد.

افزایش ۲۴ درصدی قاچاق کالا در ۸ ماهه امسال

رئیس پلیس آگاهی ناجا از افزایش ۲۴ درصدی قاچاق کالا در هشت‌ماهه امسال خبر داد.

به گزارش خبرنگار ما، سردار محمدرضا مقیمی با بیان این موضوع در همایش تخصصی پلیس مبارزه با قاچاق کالا و ارز، گفت: بیش از ۵۰درصد واردات کالا از استان هرمزگان و بندر شهیدرجایی انجام می‌شود به خاطر همین پلیس برای مبارزه با قاچاق در این بنادر مستقر خواهد شد.

وی به افزایش ۷۲درصدی کشفیات پرونده‌های بالای ۵۰۰ میلیون تومان اشاره کرد و گفت: پرونده‌های بالای ۱۰۰ میلیون تا ۵۰۰میلیون تومان، ۳۶درصد و پرونده‌های کمتر از ۱۰۰میلیون تومان ۲۴درصد افزایش داشته است.

رئیس پلیس آگاهی ناجا با بیان اینکه ورودی قاچاق بیشتر از قبل کنترل می‌شود، گفت: ۱۵ ایستگاه ایست و بازرسی تجهیز شده و شش ایستگاه نیز اخیراً به آن اضافه شده است. البته تلاش می‌کنیم تا پایان سال تعداد ایستگاه‌های مذکور افزایش پیدا کند، در این ایستگاه‌ها، سازمان تعزیرات، گمرک و نیروی انتظامی مستقر هستند که با تعامل و تفاهم این سه رده هر کالای قاچاق بلافاصله تعیین تکلیف می‌شود.

مرگ مشکوک دختر ۱۳ساله در اتاق خواب

دختر نوجوانی به طرز مرموزی در اتاق خوابش به زندگی‌اش پایان داد.

به گزارش خبرنگار ما، عصر روز یک‌شنبه قاضی منافی‌آذر، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۴۵ ونک از مرگ مشکوک دختر نوجوانی با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در محل حادثه که اتاق خواب آپارتمان مسکونی بود با جسد دختر ۱۳ ساله‌ای روبه‌رو شدند که بررسی‌ها حکایت از این داشت این دختر بر اثر حلق آویزی فوت کرده‌است. یکی از اعضای خانواده دختر فوت شده گفت: دقایقی قبل به اتاق خوابش رفتیم و با این صحنه دلخراش روبه‌رو شدیم و موضوع را به پلیس خبر دادیم. جسد به دستور قاضی به پزشکی قانونی منتقل شد.

مرگ خاموش در چادر مسافرتی

گاز پیک‌نیک در چادر مسافرتی دو نفر را در شهرستان کازرون به کام مرگ فرستاد.

بهمن جمشیدی، مسئول اورژانس شهرستان کازرون گفت: صبح دیروز در تماسی با فوریت‌های این مرکز مبنی بر گاز گرفتی در چادر مسافرتی، تکنسین‌های این مرکز به محل اعزام شدند و مشخص شد در این حادثه دو نفر جان خود را از دست دادند. وی افزود: این دو نفر شامگاه یک‌شنبه در چادر برای گرم کردن خود اقدام به روشن کردن پیک‌نیک کرده بودند که بر اثر گاز گرفتی و استنشاق گاز مونواکسیدکربن دچار خفگی شده‌اند. جمشیدی تصریح کرد: این دو نفر قبل از رسیدن آمبولانس فوت شده بودند.

کشف یک تن و ۲۵۷ کیلو مواد افیونی در هرمزگان

مأموران انتظامی هرمزگان یک تن و ۲۵۷کیلوگرم مواد افیونی در هرمزگان کشف کردند.

فرمانده انتظامی هرمزگان گفت: این مواد در ۷۲ساعت گذشته در عملیات‌های جداگانه در شهرستان‌های بندرعباس، میناب، لنگه و بندر خمیر بدست آمد.

سردار عزیزالله ملکی افزود: مواد کشف شده ۷۷۱کیلوگرم تریاک و ۴۸۰کیلو حشیش و ۶ کیلوگرم هروئین است.

وی افزود: در این رابطه ۱۲دستگاه خودرو توقیف و ۵۰نفر قاچاقچی دستگیر شد.

باشگاه حقوقی

آیا کارفرما می‌تواند از کارمند خود بابت تضمین، ضمانت بگیرد؟

مرسوم است در بیشتر موارد، افراد جویای کار پس از آنکه از طرف کارفرما مورد تأیید قرار می‌گیرند، با این جملات از طرف او مواجه می‌شوند که جهت تضمین یا حسن انجام کار، یک سفته هم می‌گیریم. برای بعضی کارمندان این سؤال مطرح می‌شود که آیا چنین اقدامی از نظر قانونی درست است و اگر اینطور است، آیا نکته خاصی را در مورد تکمیل چنین سفته‌هایی باید رعایت کرد؟

اول اینکه باید بدانیم چنین اقدامی از طرف کارفرما هیچ منع قانونی ندارد. در واقع کارفرما برای ایجاد ضمانت اجرا و مانع باز دارنده برای افزایش هر چه بیشتر دقت کارمند خود این شیوه را انتخاب کرده‌است. نکته بعدی در مورد نکات مهم درباره تکمیل این نوع از سفته‌ها است که عبارتست از: ۱- حتماً در قرار داد پایه همکاری، شماره سفته و مشخصات آن را ذکر کنیم. ۲- در قسمتی که باید نام تحویل گیرنده سفته نوشته شود، حتماً نام شخصی که با او قرارداد بسته‌اید نوشته شود یعنی در قسمت در وجه...، اگر با شرکت قرارداد بسته‌اید، نام شرکت و اگر با شخص حقیقی (یک فرد) در حال همکاری هستید، نام او نوشته شود. ۳- حتماً در سفته علت صدور آن را ذکر کنید. مثلاً بنویسید بابت حسن انجام کار، بابت تضمین قرارداد. رعایت این نکات به ظاهر ساده می‌تواند به جلوگیری از ایجاد اختلاف و طرح انواع دعاوی کمک بسیار می‌کند.

آگهی مفقودی

کارت دانشجویی عبدالوهاب ملازهی دانشجوی رشته شیمی کاربردی از دانشگاه سیستان و بلوچستان به شماره دانشجویی ۹۲۳۰۶۹۳ مفقود گردیده و بدینوسیله از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد ۸۸۴۹۸۴۷۳